

شیخ محمدتقی بهلول گنابادی کیست؟

شیخ محمدتقی بهلول سخنرانی کوبنده‌ای را علیه ماجرای کشف حجاب انجام داد و بعد از آن به افغانستان گریخت.



شیخ محمدتقی بهلول سخنرانی کوبنده‌ای را علیه ماجرای کشف حجاب انجام داد و بعد از آن به افغانستان گریخت. دولت افغانستان به دلیل نداشتن گذرنامه وی را زندانی کرد. شیخ بیش از ۳۰ سال در زندان‌های افغانستان به بدترین شکل ممکن زندانی بود.

شیخ محمدتقی بهلول گنابادی، فرزند شیخ نظام الدین و نوه شیخ زین الدین شیخ محمدتقی بهلول گنابادی، فرزند شیخ نظام الدین و نوه شیخ زین الدین بود که در سال 1279 قمری در بیلند بدنیا آمد.

اجداد بهلول در عربستان سکونت داشتند و از مذهب اهل سنت پیروی می کردند تا اینکه یکی از نیاکان او بنام محمد طاهر خزائی به خاطر جدیتی که در امر مطالعه و تحقیق داشت به تشیع گروید و از آنجایی که بعد از تغییر مذهب ادامه زندگی در زادگاه به خاطر اعلام عقاید دشوار بود به ایران مسافرت کرد و در منطقه گناباد سکنی گزید. بهلول در 8 سالگی به تشویق خواهرش حافظ کل قرآن شد و از 14 سالگی منبر رفت.

بیشتر از هر چیز واقعه مسجد گوهرشاد اسم این عارف وارسته که در آن زمان 28 سال بیشتر نداشت را بر سر زبان‌ها انداخت. واقعه ای که در آن شیخ محمد تقی بهلول سخنرانی کوبنده‌ای را علیه رضاشاه در پی ماجرای کشف حجاب انجام داد و بعد از سخنرانی پلیس به مسجد ریخت و عده زیادی را به قتل رساند اما شیخ جان سالم به در برد.

بعد از آن شیخ به افغانستان گریخت و تقاضای پناهندگی کرد اما دولت افغانستان به دلیل نداشتن گذرنامه وی را زندانی کرد. شیخ بیش از 30 سال در زندانهای افغانستان به بدترین شکل ممکن زندانی بود.

شیخ محمد تقی بهلول در مورد ماجرای آزاد شدنش مدعی بود که بعد از آنکه یک روز دلش گرفته و به خدا گلایه کرده بود مادرش را در خواب می بیند و مادرش در خواب به او می گوید که حضرت زهرا(س) ضامن شده است که آزاد بشوی و شیخ بعد از بیدار شدن از خواب شعری را در وصف حضرت زهرا (س) می سراید و البته چند روز بعد هم آزاد می شود.

شیخ پیش از آنکه به افغانستان بگریزد به دلیل خطراتی که وی را تهدید می کرد همسرش را طلاق داد و به عقد یکی از دوستانش درآمد و به این ترتیب هیچ اولادی از وی به یادگار نماند.

وی پس از آزادی از زندان افغانستان به مصر می رود و در مدت یک سال و نیم اقامت در آن کشور از طرف جمال عبدالناصر به سمت رئیس بخش فارسی صدا و سیمای مصر منسوب می شود. مدتی نیز به خاطر تسلط به منابع اهل سنت در دانشگاه الازهر به تدریس می پردازد و بعد از گذشت مدت زیادی از دوران تبعید به وطن بازمی گردد.

بهلول زمانی که در زندان بود به دلیل نداشتن حداقل امکانات اشعاری را که می سرود تماما حفظ می کرد. وی 120 هزار بیت شعر سروده است که 30 هزار بیت آن متعلق به حضرت زهرا(س) و قسمت قابل توجهی از آن بر وزن شاهنامه فردوسی و در وصف حضرت امام(ره) بود. که به «خمینی نامه» مشهور است.

* بهلول 200 هزار شعر حفظ بود

بهلول ویژگی‌های منحصر به فردی داشت، اولاً حافظه به شدت قوی ای داشت بطوریکه خودش در این باره می گوید: "حافظه‌ای داشتم که نمونه‌اش در دنیا نبود" غیر از قرآن و اشعاری که سروده بود بسیاری از اشعار دیگر شاعران را نیز از بر داشت (200 هزار بیت شعر) به علاوه بسیاری از خطبه‌های نهج البلاغه، صحیفه سجادیه، دعای جوشن کبیر، دعای عدلیه، دعای مشلول، دعای کمیل، زیارت عاشورا و... شیخ تا چند سال پیش از مرگش هر روز غیر از روزهای حرام روزه بود و غیر از نان و ماست و یا شیر و از این قبیل غذاها و چند میوه خاص چیز دیگری نمی خورد و معتقد بود که ماست تمام نیازهای بدن را تامین می کند و خودش علت سلامتی‌اش را در کم خوراکی می دانست.

شیخ محمد تقی بهلول چای را ترک کرده بود و علت را هم شنیدن حکایتی از ناپلئون عنوان می کرد که در این حکایت ناپلئون گفته بود: "هر وقت دیدید بچه های آنها صبح که از خواب بیدار می شوند پیش از هر چیز چای طلب می کنند یعنی ما به مقصود خود رسیده ایم!"

روزی شیخ وقتی از منبر پایین می آید و قصد خروج از مجلس را دارد جوانی بلند می شود دست شیخ را می گیرد و می گوید اجازه دهید در این تاریکی راهنمائیتان کنم آقا، که شیخ جواب می دهد من زیر نور ماه خط می نویسم جوان! و این جوان کسی نبود جز سیدعلی خامنه ای که این خاطره را سال ها بعد در دیداری که با شیخ بهلول داشت برای ایشان تعریف کرد!

***علاقه رهبر انقلاب به شیخ بهلول**

رهبر انقلاب علاقه زیادی به شیخ بهلول داشت جملاتی را در وصف ایشان گفته بود اما این علاقه یک علاقه متقابل بود شیخ بهلول چه در زمان ریاست جمهوری و چه در زمان رهبری، با ایشان ملاقات می کرد و می فرمود: «وظیفه ماست که به رهبر شیعیان سر بزنیم و او را حمایت کنیم». در یکی از ملاقات ها مقام معظم رهبری پیشانی ایشان را می بوسد. شیخ بهلول گنابادی در وصف رهبر انقلاب اینگونه می گوید: کسی را بی رغبت تر از ایشان به مال دنیا نمی شناسم، شاید من به زهد مشهور باشم اما ایشان از من زاهدترند چون من هیچ ندارم و زهد دارم اما ایشان می توانند همه چیز داشته باشند و در عین حال زهد می ورزند(نقل به مضمون)

و شیخ محمد تقی بهلول در 7 مرداد سال 1384 و در سن 105 سالگی در حالی که نه زن و فرزند و نه مال و منالی جز ردای تنش داشت از دنیا رفت، تا همه از ایشان به عنوان شگفتی روزگار یاد کنند.

شیخ بهلول با اینکه بیش از یک قرن سن داشت پیاده روی می کرد و غذای ساده می خورد یکی از دوستان در کربلا رفته بود خدمت ایشان می گفت وقت غذا نون تو شیر تیلیت کردند و با دست خوردند و اینکه وقتی به ایشان موز تعارف کردیم گریه می کردند که ما چرا باید موز بخوریم؟! ببینید تا چه حد زهد داشت این آدم.

و اینکه ایشان دائم السفر بود حتی در سالهای پایانی عمر